

## مبانی قرآنی «مرزبندی با دشمن» در بیانیه گام دوم انقلاب

احمد داوری چلقائی<sup>۱</sup>

### چکیده

«مرزبندی با دشمن» یکی از شاخه‌های اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب بر آن تأکید کرده است، در این بیانیه که در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران منتشر شده است، نقشه کلان و سیاست‌های راهبردی انقلاب اسلامی در چهل سال دوم، ترسیم شده است؛ لذا بررسی آن از نگاه تعالیم و حیانی قرآن، علاوه بر تأکید بر مطلب و تأیید آن، علو محتوا و منشأ قرآنی بیانیه را روشن می‌کند. از این رو پژوهش حاضر در پی بررسی مهم‌ترین ریشه‌های قرآنی مرزبندی با دشمنان است و قصد دارد با تحلیل آیات قرآن به روش تحلیلی توصیفی و با کمک منابع کتابخانه‌ای، به این سؤال پاسخ دهد که ریشه‌ها و مستندات قرآنی مرزبندی با دشمنان چیست؟ نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد طبق آیات قرآن، نمونه‌هایی از مرزبندی شفاف در سیره پیامبرانی همچون پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، حضرت ابراهیم، حضرت لوط و حضرت موسی عَلَيْهِمُ السَّلَام در حوزه مسائل اعتقادی، اخلاقی،

۱. دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

bahmanm9840@gmail.com

رفتاری با دشمنان بیرونی و مفسدان داخلی وجود دارد تا جبهه نیروهای حق از باطل تمییز گردد.

واژگان کلیدی: مرزبندی، دشمن، بیانیه گام دوم انقلاب، رهبر معظم انقلاب، پیامبران، قرآن کریم

## ۱. مقدمه

ولی فقیه عهده دار مسئولیت رهبری انقلاب بوده و بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، وظیفه تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران را بر عهده دارد؛ همچنین از آنجایی ولی فقیه، ولایت فقاہت را در عصر غیبت معصوم علیه السلام بر عهده دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۳۷ - ۲۳۹)، وظیفه حفاظت از ثقلین (قرآن و روایات) را عهده دار است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۴۲ و ۲۴۳)، از طرف دیگر با توجه به توانایی اجتهادی از قرآن کریم (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳۷ و ۱۳۸) سیاست‌های کلی کشور را بر مبنای دستورات دینی، استخراج و تبیین می‌کنند؛ بررسی سیره نظری و عملی بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که تبیین سیاست‌های کلی و رهنمایی گروه‌های مختلف مردم و مسئولان، بر مبنای تعالیم و حیانی قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که کمتر می‌توان پیام یا سخنرانی از آنها یافت که به آیه‌ای استناد نشده باشد یا مطالب برگرفته از احادیث ائمه علیهم السلام نباشد. سیره نظری و عملی رهبران انقلاب، ریشه در این اندیشه دارد که انقلاب را ادامه راه بعثت انبیاء علیهم السلام می‌دانند؛ لذا در تبیین سیاست‌های کلی انقلاب نیز، در موارد متعددی از انقلاب انبیاء و سیره آنها الگو می‌گیرند؛ حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در پیامی به این ویژگی اشاره کرده و می‌فرماید: «هدف انقلاب ما همان هدف پیامبر عظیم الشان است. با صبر و تحمل انقلابی به پیش، تا گسترش عدل الهی و اسلام عزیز» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۱۶ / ۴۴ و ۴۵). همچنین می‌فرماید: «انقلاب در راه هدف الهی و استقرار حکومت الله همان است که انبیای عظام در راه آن فداکاری‌ها نمودند و پیامبر عظیم الشان اسلام تا آخرین لحظات زندگی پربرکت خود در راه آن با همه توان، فداکاری و ایثار فرمود؛ و امامان بزرگوار اسلام هر چه داشتند نثار آن کردند. ما نیز که خود را پیرو آنان و امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم - می‌دانیم باید اقتدا به آنان نموده و در سبیل حق، مشکلات را با صبر انقلابی تحمل نماییم و از خرابکاری‌های دغل‌بازان که آثار شکست و زبونی در آن مشاهده است نهراسیم؛ و در راه هدف حق و اسلام بزرگ چونان

انبیای عظام و اولیای معظم فداکاری و ایثار نماییم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۱۵ / ۶۳). در این اندیشه، انقلاب به قدرت و گروه خاصی وابسته نیست و تنها وابستگی آن به اندیشه‌های وحیانی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۱۵ / ۱۴۶ و ۱۴۶؛ نیز ۵ / ۵۴۴ و ۵۴۵؛ ۷ / ۲۴۰ و ۲۴۱).

بنابراین مسیر انقلاب، از ابتدای پیروزی بر محور انقلاب انبیاء در حرکت بوده و توانسته پس از چهل سال، از نهالی نوپا به درختی تنومند تبدیل شده و مسیر تعالی را در پیش بگیرد. رهبر معظم انقلاب پس از چهل سال حرکت انقلاب، در بیانیه‌ای سیاست‌های کلی چهل ساله دوم انقلاب را اعلام کردند که در بخشی از آن، «مرزبندی با دشمنان» را یکی از شاخه‌های اصلی «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی دانسته و بر ضرورت مرزبندی با کشورهای استکباری و کشورهای خدعه‌گر تأکید کردند: «امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند» (بیانیه گام دوم انقلاب، مورخه ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). مقام معظم رهبری، علاوه بر بیانیه گام دوم انقلاب، در موارد دیگری نیز به مرزبندی با دشمن تأکید کرده‌اند، از جمله به افرادی که فعالیت سیاسی دارند و ارتباط آنها با دشمن در حوزه‌های مختلف نسبت به بقیه افراد بیشتر است؛ تذکر می‌دهند: «مواظب باشید مرزهای میان شما و دشمن کمرنگ نشود؛ پاک نشود. مرز وقتی کمرنگ شد، احتمال اینکه کسانی از این مرز عبور کنند یا دشمن از این مرز عبور کند و بیاید این طرف یا دوست و خودی غافل شود و از مرز عبور کند و برود به دامن دشمن، زیاد خواهد بود. مرزها را روشن کنید؛ مشخص کنید» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزدهم

تعبیر دیگری که رهبر معظم انقلاب در باره مرزبندی به کار برده‌اند؛ حساسیت در برابر دشمن می‌باشد که به عنوان یکی از شاخص انقلابی ماندن معرفی کرده‌اند (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۵/۰۳/۱۴؛ ر. ک. باکویی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲ و ۳۳).  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-?content?id=33259>

پژوهش حاضر با تحلیل آیات قرآن و با کمک روایات و منابع تاریخی، در پی تبیین مبانی قرآنی مرزبندی با دشمنان است و با گردآوری اطلاعات به کمک منابع کتابخانه‌ای می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که مرزبندی با دشمنان چه مبانی قرآنی دارد؟ به بیان دیگر چه دلیلی از آیات قرآن برای مرزبندی با دشمنان وجود دارد؟

## ۲. پیشینه بحث

در باره اصل مباحث دشمن‌شناسی، منابعی تألیف شده است، از جمله می‌توان به کتاب «تاریخ اسلام با رویکرد دشمن‌شناسی» تألیف علی‌اکبر مهدی‌پور اشاره کرد (۱۳۹۰) که درباره دشمنی یهود، نصاری، بنی‌امیه و منافقان با اسلام ناب است و به ذکر مصادیق تاریخی دشمنی با نظام اسلامی در صدر اسلام پرداخته است. کتاب «دشمن‌شناسی در آئینه وحی و نظام ارزشی» به قلم مهدی گنج‌جور (۱۳۸۹) و «دشمن‌شناسی از منظر قرآن کریم» اثر جواد جمشیدی حسن‌آبادی (۱۳۹۱) از دیگر آثار در این زمینه هستند. همچنین فتح‌الله نجارزادگان در کتاب «مصاف بی‌پایان با شیطان» به ذکر دشمن قدیمی انسان یعنی شیطان پرداخته است (۱۳۸۶). برخی منابع نیز به تحلیل دشمن‌شناسی از دیدگاه شخصیت خاصی اختصاص یافته‌اند؛ از جمله «دشمن‌شناسی از دیدگاه امام خمینی (رحمه‌الله)» به قلم حمید نگارش (۱۳۸۴) و «حدیث دشمن‌شناسی» که توسط حسین کریمی مجموعه سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون دشمن‌شناسی گردآوری شده است (۱۳۹۱). همچنین محمدجواد سلمانپور مقاله «دشمن‌شناسی از دیدگاه امام

خمینی رحمته الله علیه را در فصلنامه مصباح منتشر کرده است (۱۳۷۸). کتاب «دشمن شناسی در کلام امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» نیز توسط محمدحسین رضایی تدوین شده است (۱۳۹۱).

بررسی این منابع و منابع مشابه دیگر نشان می‌دهد که به‌رغم اهمیت بحث دشمن‌شناسی در نظر محققان و شخصیت‌های اسلامی، مبانی قرآنی مرزبندی با دشمن مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. البته همان‌گونه که اشاره شد، فرمایشات مقام معظم رهبری در زمینه دشمن‌شناسی، به آیات قرآنی مشحون است، لذا می‌توان سخنرانی‌های معظم له را از مهم‌ترین پیشینه‌های پژوهش دانست؛ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در جمع اعضای مجلس خبرگان، مرزبندی با دشمن را بر اساس سیره حضرت ابراهیم علیه السلام تشریح کرده و می‌فرماید: «وظیفه‌ای که همیشه باید مورد نظرمان باشد به‌خصوص امروز، وظیفه‌ی مرزبندی صحیح و صریح با جبهه‌ی دشمن است؛ مرزبندی. آیه‌ی شریفه می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ» [ممتحنه: ۴]. قرآن فقط تاریخ نگفته، تصریح می‌کند که این اسوه‌ی حسنه‌ای است برای شما - قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ - یعنی باید این جور باشید، مرزبندی باید بکنید» (امام خامنه‌ای، بیانات

در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۱۵ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25696>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25696>

ملاحظه می‌شود که معظم له، با توجه به الگو بودن حضرت ابراهیم علیه السلام بر اساس فوق، مرزبندی آن حضرت با دشمنان عقاید توحیدی را منتج از مبنای قرآنی می‌داند. همچنین ایشان با استناد به ماجرای صلح حدیبیه و آیات آغازین سوره فتح به مشخص شدن جبهه حق از باطل تأکید کرده‌اند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۸/۱۰/۰۴).

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2985>

از پژوهش‌های منتشرشده در این زمینه هم می‌توان به مقاله مراتب حساسیت نیروهای انقلابی در برابر دشمن به قلم مهدی باکویی و احد داوری چلقائی اشاره کرد که یکی از مراتب حساسیت را، با اتکا به آیات صریح قرآن، تبیین صریح و شفاف مواضع ذکر کرده‌اند (باکویی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶ و ۴۷). بدین ترتیب با بررسی پیشینه‌های ذکر شده، می‌توان گفت که مبانی قرآنی مرزبندی با دشمنان، در پژوهش مستقلی مورد بررسی دقیق علمی قرار نگرفته است.

### ۳. مفهوم شناسی

برای انتقال صحیح مطالب، مهم‌ترین واژه‌های کلیدی پژوهش که امکان برداشت‌های متعدد دارد، به طور مختصر تبیین می‌گردد تا معانی مورد نظر نویسنده، روشن شده و فرایند انتقال پیام ناکام نماند، لذا واژه‌های «مبانی» و «دشمن» تبیین شده و نکاتی پیرامون «مرزبندی» بیان می‌شود.

#### ۱.۳. مبانی

«مبانی» جمع مبنی از ریشه بنا به معنای بناها و ساختمان است (عمید، ۱۳۷۷: ۱۰۴۷) که به دلیل پایه و اساس بودن ساختمان برای زندگی؛ یا پایه و ریشه داشتن ساختمان‌ها، این نام بر آنها نهاده شده است. در ادبیات عرب نیز ریشه بنا به معنای ساختمان و ساختن به کار می‌رود؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا» (نازعات: ۲۷). بررسی کاربردهای این کلمه نشان می‌دهد که اغلب آنها، به ریشه و اساس ارتباط دارند. لذا برخی لغویان، این کلمه را نقیض نابودی می‌دانند (فیروز آبادی، بی تا: ۴ / ۳۲۷).

«مبانی» در اصطلاح علوم مختلف به صورت‌های مختلفی معنا شده است؛ در علوم قرآنی و تفسیر مبانی را باور و اصول پذیرفته شده یا پیش فرض‌های بنیادین می‌دانند که پذیرش آنها باعث رویکرد خاصی در تفسیر می‌گردد. (شاکر، ۱۳۸۲: ۴۰؛ رضایی اصفهانی،

۱۳۸۷: ۱ / ۱۷؛ مؤدب، ۱۳۸۸: ۲۹ - ۲۷). بر این اساس می‌توان گفت مراد از «مبانی» در پژوهش حاضر، اساس و ریشه‌ها (دلایل) قرآنی است که بر طبق آنها، مرزبندی با دشمن جایز شمرده شده، یا ضرورت و الزام می‌یابد.

### ۲.۳. دشمن

دشمن واژه‌ای فارسی به معنای بدنفس، بددل، زشت طبع و به کسی یا کسانی اطلاق می‌گردد که به فرد ضرر می‌رسانند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷ / ۱۰۹۰۸) یا بدخواه بوده و بدی و زیان کس دیگر را می‌خواهد (معین، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۵۳۷)، لذا دشمنی در مقابل دوستی قرار دارد (عمید، ۱۳۷۷: ۶۰۳). در قرآن واژه‌های متعددی با تفاوت‌های جزئی در مفهوم، برای تبیین دشمن و دشمنی به کاررفته است؛ مهم‌ترین واژه «عدو» است که به معنی تجاوز به دیگری و گذشتن از حدود است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴ / ۲۴۹) مانند عبارت «وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ» (نساء: ۱۵۴)؛ و دشمن را از این جهت عدو می‌گویند که از حدود خود تجاوز کرده و به حقوق دیگری مجوز عبور می‌دهد یا به حقوق آنها تجاوز می‌کند؛ اینکه کفار دشمن معرفی شده‌اند: «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا»؛ (نساء: ۱۰۱) به دلیل تجاوز به اعتقادات مسلمانان و موحدان است؛ همچنین شیطان در آیه ۵ سوره یوسف دشمن انسان معرفی شده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛ زیرا به حقوق انسان‌ها تجاوز کرده است. بنابراین می‌توان گفت در فرهنگ وحی، هرکسی یا کسانی یا چیزی که بدخواه بوده و قصد زیان مسلمانان را بخواهند دشمن تلقی می‌شوند حتی اگر در رفتار خود چیزی بروز ندهند. (باکویی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۷ و ۳۸).

واژه‌های دیگری نیز برای بیان دشمنی در آیات قرآن دیده می‌شود که از ریشه خصم (یس: ۷۷)، لدد (بقره: ۲۰۴)، شنء (کوثر: ۳)، بغض (آل عمران: ۱۱۸)، قلی (شعراء: ۱۶۸)، شقق (انفال: ۱۳)، حدد (توبه: ۶۳) و عند (مدثر: ۱۶) مشتق شده‌اند

خاطر نشان می‌شود، مصادیق دشمنان با توجه به آیات قرآن، عبارت‌اند از:

- شیاطین: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»؛ (فاطر: ۶)؛ (و آیات دیگر از جمله



- اسراء: ۵۳؛ انعام: ۱۴۲، اعراف: ۲۲، یوسف: ۵)
- یهودیان و مشرکان: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» (مائده: ۸۲).
  - کفار: «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا» (نساء: ۱۰۱).
  - منافقان: «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (منافقون: ۴)
  - بعضی از خویشاوندان نظیر بعضی از همسران و فرزندان «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ» (تغابن: ۱۴)
  - برخی مصادیق دیگر نظیر بت‌ها: «قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ» (شعراء: ۷۵ - ۷۷).

البته شدت دشمنی برخی از دشمنان بیشتر است؛ از جمله دشمنی یهودیان و مشرکان نسبت به مسلمانان شدیدتر است (مائده: ۸۲). در برخی روایات نیز دشمنی کسی بزرگ دانسته شده است که مخفیانه دشمنی کند: «أَكْبَرُ الْأَعْدَاءِ أَخْفَاهُمْ مَكِيدَةً» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۲۶) لذا مرزبندی با هر کدام باید به گونه مجزا و به نحوی صورت گیرد که متناسب با شدت دشمنی باشد.

### ۳.۳. مرزبندی

مرز به معنای سرحد و فاصله میان دو کشور است (عمید، ۱۳۷۷: ۱۰۷۵) که به صورت مجازی، به فاصله و حدود بین چیزهای مادی و غیرمادی به کار می‌رود، مانند مرز انسانیت و حیوان بودن. در بخشی از دعای امام سجاد علیه السلام آمده است که اگر انسان‌ها، شکر پروردگار را به جای نیاورند از مرز انسانیت به مرز حیوانیت سقوط می‌کنند: «وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ» (صحیفه سجادیه، دعای اول). تعبیر مرزهای خداوند با عبارت «حُدُودِ اللَّهِ» که در آیات زیادی آمده (بقره: ۱۸۷؛ بقره: ۲۲۹؛ بقره: ۲۳۰؛ نساء: ۱۳ و...) بیانگر گسترش معنای مرز از مادیات به امور معنوی و

غیرمادی است. لذا مشخص کردن فاصله میان دو گروه در امور معنوی مانند اعتقاد، اخلاق، رفتار یا در امور مادی مانند کشورها را می‌توان مرزبندی دانست؛ البته سیاق بحث در مورد دشمنان، بیشتر مسائل غیرمادی است یعنی بینش‌ها، کنش‌ها و منش‌ها با دشمن مرزبندی می‌شود و چه بسا دشمنان متعددی که مرزهای مادی و خاکی با کشور دیگر ندارند ولی دشمنی شدیدتری دارند.

برای روشن شدن مسئله پژوهش، موارد زیر خاطر نشان می‌گردد:

- با توجه به مصادیق دشمنان، مرزبندی با همه آنها ضرورت دارد، اعم از دشمنان بیرونی یا دشمنان درونی با همه مصادیقی که در قرآن ذکر شده است؛ هرچند شاید نتوان در مورد چگونگی مرزبندی با همه جزئیات مربوط به آن، از آیات قرآن کمک گرفت، لذا در برخی موارد برای تبیین چگونگی مرزبندی می‌توان از روش‌های دیگر نظیر مراجعه به روایات معصومان علیهم‌السلام استناد کرد؛ البته هدف پژوهش حاضر، تبیین مبانی است و چگونگی مرزبندی، مجال دیگری می‌طلبد.

- مرزبندی با دشمن، لوازمی دارد مانند شناخت دشمن که مصادیق آن ذکر شد؛ لازمه دیگر مرزبندی، شجاعت در اقدام است، لذا کسی که توان علمی مرزبندی را دارد ولی شجاعت عملی را ندارد، سودی در این زمینه نمی‌برد؛ مثلاً کسانی که از نبرد در مقابل دشمن، هراس دارند، شجاعت مقابله با دشمن و مرزبندی را ندارند؛ لذا در مقابل دستور صریح پروردگار نیز مخالفت کرده و بهانه تراشی می‌کنند (نساء: ۷۷). در مقابل، برخی از افراد نیز هستند که در میدان نبرد نیز شجاع بوده و پیروزی یا شهادت را رستگاری می‌دانند: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلاَّ إِحْدَى الْحُسَيْنِيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبَّصُونَ» (توبه: ۵۲) همچنان‌که ستایش قرآن از عده‌ای نقل شده است که در تبلیغ دین، از کسی نمی‌ترسند: «الَّذِينَ يَلْلَعُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلاَّ اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب: ۳۹)

- مرزبندی منافاتی با تعامل با آنها در برخی موارد ندارد؛ در قرآن کریم، علی‌رغم اینکه

مرزهای عقیدتی در موارد متعددی با اهل کتاب، روشن شده است (آل عمران: ۷۰ - ۷۲؛ آل عمران: ۷۵؛ نساء: ۱۵۳، نساء: ۱۷۱؛ مائده: ۵۹ و ۶۰ و...) با این حال تعامل با آنها نیز ذکر شده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۶۴)؛ همچنان که در باره عهد و پیمان با مشرکان که نوعی تعامل است آیاتی نازل شده است (توبه: ۱ - ۴)؛ رهبر معظم انقلاب نیز می‌فرماید: «مرزبندی به معنای این نیست که ما رابطه‌مان را قطع بکنیم؛ توجه بکنید، مغالطه نکنند که شما می‌گویید ما با همه‌ی دنیا دشمنیم؛ نه، مرزبندی کنید، مرزها مخلوط نشود» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25696>)

- بر اساس آموزه‌های قرآن، دستورالعمل یکسان در باره مرزبندی با همه دشمنان نمی‌توان مطرح کرد؛ سیره قرآن کریم در این زمینه، استثناء کردن برخی از مصادیق است؛ مثلاً به‌رغم نکوهش‌های متعدد از اهل کتاب، برخی از آنها را تأیید کرده و می‌فرماید: «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران: ۱۱۳ و ۱۱۴). در تبیین این ویژگی، مقام معظم رهبری می‌فرماید: «این مرزبندی با دشمن که عرض کردم، یک حاشیه‌ای دارد که آن حاشیه هم به نظر من خیلی مهم است و آن، همه را دشمن به حساب نیاوردن [است]؛ این هم یک مسئله‌ی مهم [است]. گاهی اوقات هست که ما به خاطر تعصبمان علیه دشمن - که آن تعصب، بجا هم هست، تعصب خوبی است - یک نفر تا یک حرفی می‌زند که با آن چیزی که رؤیت ما نسبت به دشمن است موافق نیست، این [فرد] را متهم می‌کنیم که تو با دشمن هستی؛ این درست نیست. خوب الآن فرض بفرمایید که در داخل کشور راجع به فلان کنوانسیون، راجع به فلان موضوع بین‌المللی من باب مثال، بحث هست و یکی مخالف است، یکی موافق است؛ هیچ دلیل ندارد که آن که موافق است، آن کسی را که مخالف است متهم کند؛ یا آن که مخالف است،

آن کسی را که موافق است متهم کند؛ خب دو نظر است، دو استدلال است؛ این [یکی] استدلال او را قبول ندارد، او هم استدلال این را قبول ندارد. متهم نکردن یکدیگر، به جان خودی نیفتادن، همان مطلبی است که قبلاً هم عرض کردم؛ یعنی ما مرزبندی را با دشمن از دست ندهیم؛ مسئله‌ی مرزبندی با دشمن خیلی مهم است اما این موجب این نشود که تا دیدیم کسی مثلاً یک خُرده‌ای در یک نقطه‌ای با ما اختلاف نظر دارد، فوراً او را به دشمن وصل کنیم، بگوییم این [فرد] عامل دشمن است؛ نه، این هم به نظر ما درست نیست» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41994>).

- مرزبندی به معنای اصرار بر بیان همه مرزبندی‌ها در همه زمان‌ها توسط همه اشخاص نیست؛ در فقه شیعه، عنصر تقیه در برخی موارد برای حفظ جان یا آبروی افراد ضروری است (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۵ق: ۵ / ۵۸۷ - ۶۳۵؛ انصاری، ۱۴۱۲ق: ۳۸ - ۶۹)؛ همچنان که قرآن در آیه ۲۸ سوره غافر، در مورد مؤمن آل فرعون (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۸۱۰ و ۸۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۸۸ - ۹۰) و عمار در آیه ۱۰۶ سوره نحل ذکر کرده است. (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۲ / ۲۷۲ و ۲۷۳؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ۲۸۸ و ۲۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۹۸). البته تقیه برای حفظ جان و آبروی افراد است؛ نه برای حفظ منافع مادی اشخاص یا گروه‌ها. لذا از این عنصر، می‌توان به عنوان یک تاکتیک در برخی مواقع استفاده کرد که محدوده آن با کمک سنت معصومان تبیین می‌شود.

- مرزبندی در مقام عمل می‌تواند فعالانه باشد یا منفعلانه، ابتکاری باشد یا عکس‌العملی، مایوسانه باشد یا امیدوارانه، با ترس همراه باشد یا با دلیری و شجاعت، با حزم و تدبیر باشد یا سهل‌انگارانه، تهدیدنگر باشد یا فرصت‌نگر، با شناخت واقعیت‌های دشمن باشد یا نشناختن واقعیت‌های میدانی حرکت‌های دشمن. (امام خامنه‌ای، بیانات دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری با رهبر انقلاب ۱۳۹۷/۱۲/۲۳ <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=41978>؛ که با انتخاب هر یک از دوگانه‌های

فوق، در مقام اجرا شاهد تفاوت‌هایی بروز خواهد کرد.

#### ۴. مستندات قرآنی نظریه مرزبندی با دشمنان

برخی از مطالب مربوط به مرزبندی در لابلای مطالب فوق، مورد اشاره قرار گرفت؛ مثلاً عدم منافات مرزبندی با تعامل که با آیاتی از قرآن تذکر داده شد. بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که مرزبندی‌های متعددی از سوی انبیاء با دشمنان متعدد صورت گرفته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

##### ۱.۴. مرزبندی‌های پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از میان پیامبرانی که حرکت تکاملی خود را در بیشتر جنبه‌های اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تکمیل کردند، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به موفقیت بیشتری نسبت به انبیای قبلی دست یافتند (فارسی، ۱۳۶۱: ۳۳ - ۳۵)؛ لذا مرزبندی‌های متعددی در حوزه‌های اعتقادی، سیاسی و اخلاقی با کفار، مشرکان و حتی اهل کتاب داشتند. نمونه‌هایی از مرزبندی‌های پیامبر در مکه و مدینه در آیات قرآن نیز انعکاس یافته است که می‌تواند به عنوان مبانی قرآنی مرزبندی مورد استناد قرار گیرد؛ مرزبندی‌ها بیشتر در موارد سیاسی مطرح می‌شود؛ که گاهی به صراحت سخن از مرزبندی است و گاهی در عمل مرزبندی شده است؛ از جمله:

الف) مرزبندی با کفار و مشرکان؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از کفار به صراحت تبری جسته که در سوره یونس مورد اشاره قرار گرفته است: «وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ». (یونس: ۴۱). نمونه دیگر مرزبندی اعتقادی با کفار سوره کافرون است؛ آن هم خطاب به بخشی از کفار که از پذیرش دین پیامبر خاتم خودداری می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰ / ۳۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۸۴۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴ / ۸۰۸) در این سوره با تحقیر ضمنی کفار (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۳۰ / ۵۱۰)، با آنها

سازش ناپذیری را اعلام می‌کند: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون: ۱-۶).  
 ب) مرزبندی با اهل کتاب؛ همان‌گونه که در تبیین معنای مرزبندی اشاره شد، در مباحث اعتقادی، جبهه اسلام با اهل کتاب به طور کامل مشخص شده است؛ به‌ویژه در آیاتی که مربوط به توحید است، پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، با رد عقیده تثلیث (مائده: ۷۳) و رد اعتقاد به خدا بودن حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام (مائده: ۱۷)، به بنده بودن حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام اشاره کرده است: «لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ» (نساء: ۱۷۲)؛ و به صراحت سخن از کفر هر کسی می‌گوید که اعتقاد به خدایی مسیح دارد: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ» (مائده: ۷۲).

مرزبندی در برخی موارد هزینه دارد، انکار عقاید مسیحیان، برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز دارای هزینه بود، هزینه‌ای که با تمام وجود حاضر به پرداخت آن گردید؛ جریان مباحثه پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۷۶۲ و ۷۶۳) را می‌توان یکی از مواردی دانست که پیامبر حاضر به پرداخت هزینه، حتی به قیمت جان خود و عزیزترین کسانی که آمادگی برای پرداخت چنین هزینه‌ای منجر به شکست دشمن گردید: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: ۶۱).

ج) مرزبندی با منافقان؛ تعیین جبهه حق و مشخص کردن امتیاز آن با جبهه باطل، همچنین پایبندی بر آن از سوی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، منحصر در دشمنان بیرونی نبود؛ طبق آیات قرآن، در برخی موارد در مقابل دشمنان درونی نیز، مرزبندی‌های صریح مشخص شده است. یکی از مصادیق مرزبندی با منافقان، عدم اطاعت از آنهاست که با صراحت بر آن تأکید شده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (احزاب: ۱). در مقابل این مرزبندی مسلمانان، تعدادی از منافقان راه تزویر و فریب را در پیش گرفتند تا بتوانند در لباس متفاوتی، به اسلام و مسلمانان ضربه بزنند که باز

دستورات صریح اسلام بر مرزبندی با آنها تأکید کرد؛ برخی از منافقان، ظاهری آراسته و فریبکارانه دارند که هر فردی را به اشتباه می‌افکند و چنان شیرین سخن می‌گویند که نزدیک است مسلمانان را بفریبند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۹ / ۲۸۰ و ۲۸۱) ولی آیه قرآن، ظاهرسازی آنها را نیز نپذیرفت: «وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهِمْ خُشْبٌ مُّسْنَدَةٌ يَّحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعُدُوّ فَاخْذِرْهُمْ فَآتَاهُمُ اللَّهُ أَنْتَى يَوْمِ الْيَوْمِ» (منافقون: ۴).

شیوه دیگر منافقان، استفاده از ابرازهای مورد تأیید مسلمانان از قبیل مسجد، برای اغواگری بود تا در پوشش آن، بتوانند به اهداف خود در اضرار مسلمانان، ترویج کفر، ایجاد تفرقه بین مؤمنان برسند و مسجد را کمینگاهی قرار دهند تا در موقع لزوم، از آنجا به مقابله با خدا و رسول خدا پردازند: «وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلِ وَ لِيُخْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَيَّ التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (توبه: ۱۰۷)؛ هوشیاری در مقابل این ترندها از ضروریاتی است که باعث مرزبندی صحیح و دقیق می‌گردد؛ لذا قرآن خطاب به پیامبر پرده از اسرار آن مسجد برداشت و اجازه اقامه نماز در آن را نداد: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَيَّ التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (توبه: ۱۰۸). مسجد ضرار با دستور پیامبر و اقدام مؤمنان، تخریب شد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۶ / ۱۴۹). تا مرزبندی‌های اعتقادی به طور دقیق تبیین شود.

بنابراین می‌توان گفت پیامبر خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به عنوان الگوی مسلمانان (احزاب: ۲۱)، در موارد متعددی با مشرکان، اهل کتاب و منافقان در حوزه‌های گوناگون اعتقادی و رفتاری، مرزبندی داشتند.

#### ۲.۴. مرزبندی‌های حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام

در قرآن کریم جایگاه خاصی برای حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام ذکر شده است، آن حضرت امام

(بقره: ۱۲۶) و الگو (ممتحنه: ۴) معرفی شده است، از این رو بررسی رفتار سیاسی آن حضرت در مرزبندی اعتقادی و سیاسی با دشمنان و غیر موحدان، می‌تواند در پاسخ به چرایی و ضرورت مرزبندی مورد استفاده قرار گیرد. این پیامبر اولوالعزم در برخورد با افراد مختلف، مرزهای سیاسی و اعتقادی خود را با صراحت مشخص کرده است، اعم از اینکه طرف مقابل وی، خویشان نزدیک باشند یا دشمنانی چون نمرود؛ برخی از مرزبندی‌های آن حضرت عبارت‌اند از:

الف) مرزبندی اعتقادی با خویشان و نزدیکان؛ تذکر دادن به نزدیکان و انذار آنها در برابر دستورات الهی و تعیین محدودیت‌هایی برای آنها، از دشواری خاصی برخوردار است، حضرت ابراهیم علیه السلام نیز در مواجهه با عموی بت پرست خود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵ / ۳۰۳)، به انذار پرداخته و با منطقی آمیخته با احترام، محبت، دلسوزی و درعین حال توأم با قاطعیت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۸۰)، به انذار وی پرداخت تا مرزهای اعتقادی خود با وی مشخص کند: «يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا» (مریم: ۴۴ و ۴۵). حضرت ابراهیم علیه السلام زمانی که متوجه گردید که آزر، از دشمنی با خدا دست برنمی‌دارد، از وی اعلام برائت کرد، بدین ترتیب، مرزهای اعتقادی خود را با یکی از نزدیک‌ترین خویشان خود مشخص کرد: «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ» (توبه: ۱۱۴) آن حضرت به آزر وعده داده بود که برایش استغفار کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۴ / ۳۸).

ب) مرزبندی اعتقادی با قوم؛ حضرت ابراهیم علیه السلام، علاوه بر عموی خود، در عبادت معبودان دروغین، با قوم خود مقابله کرد و مرزهای عبادی خود را با آنها در عبادت پروردگار عالمیان و بت‌های بی‌جان روشن نمود: «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ أَإِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (صافات: ۸۵-۸۷) بیان گمراهی آشکار آزر و قومش، با عبادت بت‌ها، دلیلی است که می‌تواند بیانگر تعیین دقیق جبهه‌بندی‌ها باشد: «وَإِذْ قَالَ



إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ أَرْزَأَ تَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۷۴). همچنان که اعلام برائت از رفتار آنها بود که باعث شد تا به عنوان الگوی همه موحدان در تاریخ ثبت گردد: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرءَاؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ...» (ممتحنه: ۴).

ج) مرزبندی با سران قوم و نمرود؛ معمولاً مترفین (سبأ: ۳۴ و زخرف: ۲۳) و اشراف و سران قوم (اعراف: ۶۵ و ۶۶؛ اعراف: ۷۸؛ مؤمنون: ۳۳) با پیامبران مخالفت می‌کنند؛ مانند مخالف نمرود با حضرت ابراهیم علیه السلام که تلاش کرد بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به آن حضرت وارد کرده و حتی آن حضرت را در آتش بسوزاند (انبیاء: ۶۸). نمرود نخستین پادشاه ذکر شده در قرآن در عصر حضرت ابراهیم علیه السلام است (طبری، ۱۴۱۲ق: ۳ / ۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۳۵) که ادعای خدایی می‌کرد؛ حضرت ابراهیم علیه السلام نیز مرزهای اعتقادی خود را با وی روشن کرد تا مشخص کند که خدای ابراهیم، قدرت زنده کردن و میراندن دارد. از آنجایی که این مرزبندی دقیق نبود و قابلیت استفاده معنای حقیقی و مجازی مرگ و زندگی را داشت، لذا مورد سوء استفاده و مغالطه قرار گرفت، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۸۸)؛ این مغالطه در اقناع مردم کارگر شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲ / ۳۵۱)، لذا حضرت ابراهیم علیه السلام، مرزبندی دقیق‌تری مطرح کرد که باعث مبهوت ماندن نمرود گردید؛ آن حضرت به حرکت خورشید اشاره کرد که خدای من خورشید را از شرق به غرب می‌برد؛ اگر تو خدای حاکم بر جهان، هستی آن را از مغرب بیاور! با این مرزبندی دقیق، دشمن مبهوت ماند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمَ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۲۵۸).

د) مرزبندی با افراد صالح و ناصالح؛ حضرت ابراهیم علیه السلام با اشاره به بت‌هایی که باعث گمراهی بیشتر مردم می‌شوند، به افرادی اشاره می‌کند که دو مسیر مختلف در پیش خواهند

گرفت؛ دسته‌ای از سیره ابراهیم علیه السلام تبعیت خواهند کرد و دسته‌ای دیگر، تابع ابراهیم نخواهند بود؛ آنگاه مرزبندی می‌کند که هر کس از ابراهیم علیه السلام تبعیت کند از اوست و در باره افراد نافرمان، به حکم خداوند راضی است: «رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (ابراهیم: ۳۶). بر اساس این دعا، حضرت بیان می‌کنند که حتی اگر فرزندان من از مسیر توحید منحرف گردند و به بت توجه کنند از من نیستند و اگر بیگانگان در این خط باشند آنها همچون فرزندان و برادران من هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۳۶۲). بدین ترتیب، مرز هدایت، اطاعت عملی از سیره حضرت ابراهیم علیه السلام است که شایسته‌ترین آنها، علاوه بر تبعیت کنندگان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان است: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۶۸). قرآن در این آیه، اشخاص را محور مرزبندی قرار داده است تا شناخت واضح و دقیق باشد.

#### ۳.۴. حضرت لوط علیه السلام

برخی موارد لازم است که در حوزه مسائل اخلاقی، مرزبندی با دشمنان رعایت شود؛ هر چند که مسائل اخلاقی به نوعی مرتبط با مسائل اعتقادی هستند و یا در رفتار بروز می‌کنند، لکن صبغه اخلاقی این رفتارها بیشتر به نظر می‌آید؛ بررسی سیره انبیاء علیهم السلام در این حوزه نیز حاکی از مرزبندی با دشمنان است؛ در برخی موضوعات اخلاقی، تفاوتی‌هایی بین دشمنان و نیروهای خودی وجود ندارد و این موضوعات جزء ارزش‌های بین‌المللی است و همه مردم خواه مؤمن و خواه کافر به این ارزش‌ها پای بند هستند، حداقل در ظاهر چنان نشان می‌دهند که این رفتار اخلاقی، جزء محدوده ارزشی آنها نیز می‌باشد، مثلاً در آیات قرآن سخن از عهد بستن با مشرکان به میان آمده است (توبه: ۴) که نشان می‌دهد این ارزش اخلاقی برای آنها نیز مورد قبول است؛ در کلامی از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز وفای به عهد ارزشی پذیرفته شده نزد همه جوامع معرفی گردیده است (نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ ابن

شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۴۶). بی تردید وفای به عهد یکی از ده‌ها موردی است که کم‌وبیش دارای چنین ویژگی هستند. (علیدوست، ۱۳۹۱: ۸۸)؛ اما در برخی مسائل اخلاقی، تفاوت فاحشی بین موحدان و غیر موحدان وجود دارد؛ یکی از مهم‌ترین موارد اخلاقی، مسئله هم‌جنس‌بازی است که در عصر کنونی نیز در برخی کشورها، رسمیت یافته و قوانینی در حمایت از آن تصویب می‌شود؛ این رفتار ضد اخلاقی از نظر موحدان، مردود است و بیشتر یادآور قوم لوط است. پیامبر قوم لوط نیز با این خصوصیت اخلاقی زشت قوم خود مخالفت و به صراحت با آنها مرزبندی کرده است و برائت خود را با این عمل اعلام می‌کند: «قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ» (شعراء: ۱۶۸). استفاده از تعبیر «مِنَ الْقَالِينَ» به جای «انی لعملمکم قال» بلیغ‌تر است و در بیان مقصود حضرت لوط علیه السلام رساتر می‌باشد. (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۱۹ / ۱۸۶). دقت در تعبیر حضرت لوط علیه السلام «القالین» به جای سایر واژه‌های دشمنی، بیانگر مرزبندی شفاف است؛ زیرا «قلی» شدت دشمنی را می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۸۳).

#### ۴.۴. حضرت هود علیه السلام

حضرت هود علیه السلام نیز از افرادی است که مرزبندی اعتقادی خود با بت‌پرستان و بت‌ها را ابراز کرده و با تأکیدات فراوانی آن را همراه می‌سازد: «إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (هود: ۵۴ - ۵۶). از این آیات می‌توان برداشت کرد که حضرت هود علیه السلام در تبیین مرزبندی، علاوه بر شهادت خدا، خود بت‌پرستان را هم شاهد می‌گیرد که با بت‌های آنها مرزبندی می‌کند و آنها را نمی‌پرستد، از طرف دیگر خود را آماده پذیرش پیامدهای این مرزبندی هم می‌کند، لذا همه آنها را به مقابله فرامی‌خواند و به خدا توکل می‌کند.

#### ۴.۵. یاران صالح علیهم السلام

همان‌گونه که از مؤمنان انتظار می‌رود که با کفار مرزبندی کنند، دقت در برخی آیات نشان می‌دهد که کفار نیز با مؤمنان مرزبندی کرده و جبهه خود به صراحت مشخص می‌کنند؛ این نکته نشان می‌دهد که مرزبندی با دشمنان، ارزشی پذیرفته شده در بین همه جوامع است. در سوره اعراف، سخن از یاران حضرت صالح علیهم السلام است که به آن حضرت ایمان آورده و در این مسئله اعتقادی - و ذکر ایمان به نبوت پیامبر حضرت صالح علیهم السلام - مرزهای خود را با مشرکان ابراز می‌کنند؛ از طرف دیگر مشرکان نیز مرزهای خود را با مؤمنان روشن می‌کنند: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (اعراف: ۷۵ و ۷۶).

#### ۴.۶. حضرت موسی علیهم السلام

از پیامبرانی که موفق شد حکومت شرک آلود را شکست داده و آغازگر حکومت‌های توحیدی بنی‌اسرائیل باشد حضرت موسی علیهم السلام است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۸۳ و ۸۴؛ فارسی، ۱۳۶۱: ۱۵-۱۰)، حضرت موسی علیهم السلام با گروه‌های متفاوتی در مسیر نهضت انقلابی خود، مواجه بود، حکومت دیکتاتوری فرعون، قدرت اقتصادی قارون، جهالت قوم خود در عدم توجه به دستورات جانشین و فساد درونی برخی از خواص قوم. در همه این موارد مرزبندی‌های دقیقی از سوی آن حضرت دیده می‌شود.

الف) مرزبندی در مقابل فرعون؛ حضرت موسی علیهم السلام که به دستور پروردگار به سوی فرعون حرکت می‌کند (طه: ۴۲؛ نازعات: ۱۷) در مقابل حکومت استبدادی فرعون، جبهه نیروهای توحیدی را مشخص کرده است و در موارد متعددی خدای یگانه را با خداانگاری فرعون تمییز می‌کند؛ از جمله می‌فرماید: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰) و نیز می‌فرماید: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ

السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى» (طه: ۵۳).

ب) مرزبندی با ثروتمندان مغرور مانند قارون؛ قارون از بستگان حضرت موسی عليه السلام بود و از نظر اطلاعات و آگاهی از تورات، معلومات قابل ملاحظه‌ای داشت، وی نخست در صف مؤمنان بود ولی به دلیل غرور ثروتش به آغوش کفر رفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۱۵۲) بی‌توجهی قارون به معاد و فراموشی روز جزا تا جایی پیش رفت که تعدادی از مؤمنان وی را نصیحت کردند که ضمن استفاده از نعمت‌های دنیوی، با انفاق و صرف مال در رضای الهی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۶ / ۷۶) به فکر سرای آخرت باشد این مرزبندی صریح در قرآن چنین آمده است: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: ۷۶ و ۷۷)؛ بنابراین می‌توان گفت مرزبندی اقتصادی نیز در مقابل برخی افراد ضروری است، البته این مرزبندی در مسائلی نظیر رباخواری از سوی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم با صراحت بیشتری ذکر شده (بقره: ۲۷۵ و ۲۷۶) و مسئله تا جایی پیش رفته است که رباخواری را اعلان جنگ با خدا دانسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۸ و ۲۷۹).

ج) مرزبندی با قوم خود در مسئله تبعیت از هارون به عنوان جانشین؛ حضرت موسی عليه السلام زمانی که برای اخذ تورات به طور می‌رفت، هارون را جانشین خود قرار داد؛ لکن با توطئه سامری، قومش از روی جهالت به گوساله‌پرستی روی آوردند، قوم بنی‌اسرائیل که اغلب از نیروی اندیشه صحیح بی‌بهره بودند با مشاهده معجزات حضرت موسی عليه السلام بدون ضمیمه کردن برهان عقلی به رسالت آن حضرت گرویدند و در ادامه با مشاهده مجسمه گوساله سامری و شنیدن صدای مصنوعی که نوعی تردستی و شعبده بود از آیین آن رسول الهی روی‌گردان شدند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۶ - ۳۸). زمانی که حضرت موسی عليه السلام از

طور برگشت، مهم‌ترین مسئله را هدایت قوم دانسته و به بیان مرزهای اعتقادی پرداخت، حتی توجهی به الواح تورات نیز نکرد: «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَابَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَفْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (اعراف: ۱۵۰). عدم ملاحظه فساد قوم و تذکر نکات هدایتی و انجام اقدامات عملی در مقابل آن، از دیگر مرزبندی‌های حضرت موسی علیه السلام در مقابل این حرکت جاهلانه بود: «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلَ فْتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۵۴)

د) مرزبندی با خواص مفسد؛ گاهی در میان نیروهای خودی روزه‌هایی از فساد دیده می‌شود و چه بسا برخی از افراد نیز به فساد آلوده شوند که باید با این فساد مبارزه کرد، یکی از خواص قوم موسی علیه السلام سامری است که با ساخت گوساله، باعث بت پرستی و گمراهی تعدادی گردید. حضرت موسی علیه السلام در مقابل این فرد نیز به صراحت، مرزبندی کرده و فرمودند: «قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَىٰ إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (طه: ۹۷). بر اساس این آیه، حضرت موسی علیه السلام با نابودی آشکار دستاورد سامری، اقدام انقلابی انجام دادند و به گفتار اکتفا نکردند. خاطر نشان می‌گردد، در برخی آیات نیز از کتاب حضرت موسی علیه السلام با عنوان فرقان یاد شده است که بیانگر مرزبندی بین حق و باطل است: «وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (بقره: ۵۳) در این آیه، مراد از «الْفُرْقَانَ» تورات یا معجزات آن حضرت است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۲۳۵) که در هر دو صورت با مرزبندی قرین است.

#### ۷.۴. مرزبندی صریح با ابلیس

ابلیس و شیطان از دشمنانی هستند که با ترفندهای مختلف، سعی در گمراهی انسان دارند؛ لذا زمانی که ابلیس به آدم سجده نکرد، خداوند مرزهای حقیقی را با مرزهای توهمی

وی مشخص کرد: «قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ» (اعراف: ۱۲ و ۱۳). پس از این، دشمنی ابلیس با انسان آغاز شد (اعراف: ۱۶ و ۱۷) که در برخی زمینه‌ها از جمله اقامه نماز، ذکر پروردگار، شراب و قمار میدان دشمنی وی گستره‌تر می‌شود (مائده: ۹۱)؛ از این رو خداوند دستور داده است تا مرزبندی دقیقی با ابلیس و شیطان صورت گیرد؛ از جمله در آیات متعددی دستور به عدم تبعیت از شیطان و گام‌هایش داده شده است که لازمه مرزبندی است (بقره: ۱۶۸؛ انعام: ۲۰۸؛ انعام: ۱۴۲؛ نور: ۲۱). در برخی موارد هم دستورات عملی برای این مرزبندی‌ها، ارائه شده است، از جمله پس از تأکید به گفتار نیک، سخن از تلاش شیطان برای ایجاد دشمنی به میان آمده است تا نشان دهد بی‌دقتی در سخن گفتن زمینه دشمنی را فراهم می‌کند: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا» (اسراء: ۵۳)؛ مثلاً با انتخاب واژه «راعنا» به جای «انظرنا» چنین زمینه‌ای برای دشمنی ایجاد می‌گردد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره: ۱۰۴)؛ زیرا واژه راعنا دارای دو معنی است هم به معنی رعایت کردن و هم نوعی دشنام در زبان عبری به معنای تحمیق کردن یا آرزوی ناشنوایی برای شنونده (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲ / ۱۱۹، طوسی، بی‌تا: ۱ / ۳۸۸ و ۳۸۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۵۷ و ۳۵۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳ / ۶۳۴) قرآن دستور می‌دهد حتی در این مسائل جزئی نیز مرزبندی‌ها رعایت شود تا دشمن سوء استفاده نکند.

#### ۸.۴. دستور به مرزبندی مؤمنان با دشمنان

از برخی آیات قرآن می‌توان برداشت کرد که خداوند علاوه بر ذکر مصادیقی از مرزبندی پیامبران الهی در حوزه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و رفتاری، به همه مؤمنان دستور داده است تا مرزهای خود را با دشمنان روشن کنند؛ از جمله می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا

تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ (ممتحنه: ۱). همچنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أ تُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا» (نساء: ۱۴۴) بر اساس این آیه، عدم مرزبندی و تولی کفار، باعث تسلط و سلطه آنها می‌گردد، سلطان در لغت به معنای حجت است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۷ / ۲۱۳، ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۳ / ۹۳) و در برخی روایات نیز به همان معنی آمده است (طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۳ / ۱۲۸). دستور کلی اسلام در مورد خانواده نیز به مرزبندی با برخی اعضای خانواده دلالت دارد که احتمال دشمنی آنها وجود دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَعَفَّرُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن: ۱۴).

سیره معصومان علیهم اسلام نیز بیانگر مرزبندی صریح با دشمنان است؛ گرچه بررسی مسئله در سیره اهل بیت علیهم‌السلام مجال وسیع و مجزایی می‌طلبد؛ لکن برای نمونه به سیره امام حسین علیه‌السلام اشاره می‌شود: امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: من برای سرکشی و دشمنی و فساد کردن و ظلم نمودن خارج نشدم. بلکه، فقط به منظور ایجاد صلح در میان امت جدم خارج شدم، من قصد دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم و مطابق سیره جدم رسول خدا و پدرم علی بن ابی طالب علیه‌السلام رفتار نمایم؛ «وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي [ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ] أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۴ / ۳۲۹). همچنین آن حضرت در مرزبندی با ظالمان، اشاره می‌کنند که زندگی با ظالمان، چیزی جز هلاکت نیست، بدین ترتیب مرزهای خود را با ظلم روشن می‌کند: «فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۴۵؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۷۹؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق: ۴۴).



## ۵. نتیجه‌گیری

مسئولیت شرعی و قانونی ولی فقیه ایجاب می‌کند که در راستای حفاظت از کیان اسلام و مسلمانان، سیاست‌های کلی انقلاب اسلامی را تبیین کند، لذا رهبر معظم انقلاب راهبرد کلی نظام را در چهلمین سال دوم انقلاب، با بیانیه موسوم به «گام دوم انقلاب» تعیین کردند، بخشی از این راهبرد کلان، «مرزبندی با دشمنان» است که پژوهش حاضر با تحلیل آیات قرآن و با کمک منابع تفسیری، روایی و تاریخی، در پی تبیین مبانی قرآنی مرزبندی با دشمنان است.

مبانی مرزبندی با دشمن، بررسی اساس، ریشه‌ها و دلایل قرآنی است که بر طبق آنها، مرزبندی با دشمن جایز شمرده شده، یا ضرورت و الزام می‌یابد. در آیات قرآن دشمن با واژه‌های متعددی از قبیل عدو، خصم، شانء، لدید، قالی، عنید و... به کار رفته است که برخی تفاوت‌های جزئی هم با هم دارند، همچنین با بررسی آیات قرآن می‌توان شیاطین، یهودیان، مشرکان، کفار و منافقان را از اهم مصادیق دشمنان برشمرد و با توجه به میزان دشمنی هر کدام، نوع مرزبندی و چگونگی آن متفاوت خواهد بود، اما از آیات قرآن، می‌توان مبانی مرزبندی با همه دشمنان درونی و بیرونی را استخراج کرد.

از جمله مبانی و مستندات قرآنی مبانی مرزبندی می‌توان به مرزبندی‌های اعتقادی، سیاسی، اخلاقی و اقتصادی پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره کرد که با کفار، مشرکان و منافقان داشتند، آن حضرت به عنوان الگوی همه مسلمانان، با اعلام براءت از بت‌های کفار، رد اعتقاد تثلیث و ثنویت اهل کتاب و مقابله با طرح‌های منافقان، مرزهای اعتقادی و سیاسی خود را از جبهه باطل جدا کردند. علاوه بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مرزبندی‌های بقیه پیامبران نیز در آیات قرآن نشان داده شده است از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مرزبندی‌های حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام در حوزه مسائل اعتقادی با خویشان، نزدیکان، اقوام، سران قوم و پادشاه حاکم به نام نمرود.

- مرزبندی‌های اخلاقی حضرت لوط عَلَيْهِ السَّلَام در زمینه مسائل جنسی.

- مرزبندی‌های اعتقادی حضرت هود علیه السلام با بت پرستان  
- مرزبندی‌های اعتقادی یاران حضرت صالح علیه السلام  
- مرزبندی‌های حضرت موسی علیه السلام با استکبار و دیکتاتوری فرعون، ثروتمندان مغروری چون قارون، جهالت قوم خود و مرزبندی با خواص فاسد.  
همچنین قرآن به مرزبندی با دشمن دیرین انسان یعنی ابلیس و شیاطین دستور داده است، همان‌گونه که به مرزبندی با دشمنان دیگر نظیر کفار نیز تأکید کرده است که مصداق عملی این حرکت، در مرزبندی اهل بیت علیهم السلام با دشمنان در صفحات تاریخ ثبت شده است، نظیر مرزبندی امام حسین علیه السلام.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.

نهج البلاغه، (گردآوری: شریف رضی، محمد بن حسین، ترجمه حسین انصاریان؛ تهران، پیام آزادی، چاپ دوم: ۱۳۸۶).

### الف) کتاب‌ها

۱. صحیفه سجادیه، (ترجمه علی شیروانی، تهران / قم، دارالفکر، چاپ سوم: ۱۳۸۲).
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۴۸، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه: احمد فهري زنجاني، تهران، نشر جهان، چاپ اول.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، ۱۹۸۴م، التحرير و التنوير، تونس، دار التونسية للنشر، چاپ اول.
۵. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم المقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۶. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، ۱۴۰۶ق، مثير الأحزان، تحقیق: مدرسه امام مهدي علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدي علیه السلام، چاپ سوم.
۷. انصاری، مرتضی، ۱۴۱۲ق، التقیه، تحقیق: فارس حسون، قم، موسسه قائم آل محمد علیهم السلام، چاپ اول.
۸. جمشیدی حسن آبادی، جوادی ۱۳۹۱، دشمن شناسی از منظر قرآن کریم، اصفهان، بساتین، چاپ اول.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، تحقیق: محمد محرابی، قم، اسراء، چاپ نهم.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، وحی و نبوت در قرآن، تحقیق: علی زمانی قمشه‌ای، قم، اسراء، چاپ دوم.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره دوم.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت / دمشق، دار القلم / الدار الشامیة، چاپ اول.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۷، منطق تفسیر قرآن، قم، جامعه المصطفی العالمیة، چاپ اول.
۱۴. رضایی، محمدحسین، ۱۳۹۱، دشمن‌شناسی در کلام امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، قم، ولاء منتظر فرجه‌الشرع عجل‌الله تعالی فرجه‌الشرع، چاپ اول.
۱۵. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، تحقیق: مصطفی حسین احمد، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ سوم.
۱۶. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۴۲۵ ق، رسائل و مقالات، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، چاپ دوم.
۱۷. شاکر، محمد کاظم، ۱۳۸۲، مبانی و روش‌های تفسیری، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، [بی‌تا]، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول: .

۲۲. علی دوست، ابوالقاسم، ۱۳۹۱، فقه و عقل، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ پنجم.
۲۳. عمید، حسن، ۱۳۷۷، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، چاپ دوازدهم.
۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، تفسیر العیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمية، [بی‌چا].
۲۵. فارسی، جلال الدین، ۱۳۶۱، انقلاب تکاملی اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول.
۲۶. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، التفسیر الکبیر / مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، کتاب العین، قم، هجرت، چاپ دوم.
۲۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، [بی‌تا]، القاموس المحیط، بیروت، دار الکتب العلمية، چاپ اول.
۲۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۶۸، همراه با اصلاحات شورای بازنگری قانون اساسی.
۳۰. کریمی، حسین، ۱۳۹۱، حدیث دشمن‌شناسی: مجموعه سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون دشمن‌شناسی، تهران، پیام ماندگار، چاپ اول.
۳۱. گنجور، مهدی، ۱۳۸۹، دشمن‌شناسی در آئینه وحی و نظام ارزشی، اصفهان، حیات طیبه، چاپ اول.
۳۲. لیشی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق: حسین حسنی بیرجندی، قم، دار الحدیث، چاپ اول.
۳۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.

۳۴. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۴، انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، تدوین و نگارش: قاسم شبان نیا، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول.

۳۵. معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ فارسی متوسط، تهران، امیر کبیر، چاپ دهم.

۳۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.

۳۷. موسوی خمینی، روح الله [امام]، ۱۳۸۵، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره الشریف)، چاپ چهارم.

۳۸. مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۹۰، تاریخ اسلام با رویکرد دشمن شناسی، قم، نعمات، چاپ اول.

۳۹. مؤدب، سید رضا، ۱۳۸۸، مبانی تفسیر قرآن، قم، دانشگاه قم، چاپ اول.

۴۰. نجار زادگان، فتح الله، ۱۳۸۶، مصاف بی پایان با شیطان، قم، بوستان کتاب، چاپ چهارم.

۴۱. نگارش، حمید، ۱۳۸۴، دشمن شناسی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله)، قم، زمزم هدایت، چاپ اول.

۴۲. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، ۱۴۱۱ ق، اسباب نزول القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.

#### ب) مقالات

۴۳. باکویی، مهدی و داوری چلقائی، احد، ۱۳۹۶، مراتب حساسیت نیروهای انقلابی در برابر دشمن از دیدگاه قرآن، پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ۲۶.

۴۴. سلیمانپور، محمدجواد، ۱۳۷۸، دشمن شناسی از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، فصلنامه مصباح دانشگاه امام حسین علیه السلام، سال ۸، شماره ۳۰.

#### ج) منابع برخط

۴۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در وبگاه [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)